



۲۰۱۶/۰۷/۰۵



رسول پويان

## ارث پدر

ارث پدر و خاک به دشمن فروختند  
از جنس خارجی بدل جامه دوختند

آنان که اصل و ریشه خود را بسوختند  
دیبای زربافت وطن بد قواره گشت



## آوای خموشی

ز فریاد سکوتم قال مقالی بر نمی خیزد  
دیگر بحث وجدال و قیل و قالی بر نمی خیزد  
که در شام و سحر بوی شمالی بر نمی خیزد  
به یاد فرّ اجدادی جلالی بر نمی خیزد  
ز تالار سماع شنگ شنگ تالی بر نمی خیزد  
ز کوهستان پلنگ خال خالی بر نمی خیزد  
تو گویی از دل دریا زلالی بر نمی خیزد  
که یک آزاد مرد با کمالی بر نمی خیزد  
شراری شعله بی از پروبالی بر نمی خیزد  
امید طالعی از قرعه فالی بر نمی خیزد  
ز امثال و حکم گویی مثالی بر نمی خیزد  
مهمین فرزندی از تخم حلالی بر نمی خیزد  
دیگر از مکه آواز بلالی بر نمی خیزد  
ز آیین عرب بحث و جدالی بر نمی خیزد

ز آوای خموشی شور و حالی بر نمی خیزد  
مگر از درس و تعلیم مدارس در خموشستان  
جهنم وحشتی افکنده در دشت و دمن یارب  
چرا یارب ز فرهنگ و تمدن در دل میهن  
کجا شد شور مولانا کجا شد هیبت رستم  
نیاید نغمه بال هما از قلعه پامیر  
ز بس در سینه چرخاب میهن لوش میجوشد  
مگر ارگ وطن خنثی سترون بوده از اول  
شبستان وطن از شمع افکاری نشد روشن  
تو گویی بخت ما خسبیده در انبجۀ تقدیر  
نگیرد جای در گوش کران اندرز اجدادی  
ز بس آلوده باشد پشت پشت دولت کابل  
ز افراط و تعصب اعتدال دین شد بر باد  
بود ارث خراسان حکمت سینا و فارابی

به چنگ طالب و داعش نیفتد خطۀ شیران  
اگر چه از خراسان پور زالی بر نمی خیزد



د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولئ